

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۸

10.22034/nf.2023.177053

## بازخوانی گزارش مسوکه در خصوص کارگزاری های ایران در مملکت عثمانی در سال ۱۳۲۸ ق

\* نظام علی دهنوی (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور)

\*\* شهرام غلامی (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی خرم آباد)

چکیده: در بازشناسی رویدادها و تحولات تاریخی، نقش اسناد بسیار برجسته است و بدون بررسی آنها بخش عمده‌ای از واقعیات گذشته از نگاه پژوهشگران مکتوم می ماند. هدف این اثر، بازخوانی و بازشناسی گزارش مفصل و بسیار ارزشمند مسیو گله، مفتش کل وزارت امور خارجه ایران، در باب کنسولگری های ایران در مملکت عثمانی است. این گزارش حاوی اطلاعات گران بهایی است در باب روزگار و شرایط ایرانیان مسلمان و ارمنی در خاک عثمانی، عملکرد نامناسب کارگزاران ایرانی و عثمانی نسبت به اتباع ایرانی در آن دیار، تقلب و فساد در میان مأموران این دو مملکت، تأثیر مشروطیت و تحولات پس از آن بر ایرانیان عثمانی و سوءاستفاده های مأموران آن کشور از نابسامانی های ایران با تضييع حقوق ایرانیان در خاک عثمانی و نحوه ساماندهی تذکره و عایدات شانسلری در کنسولگری های ایران.

کلیدواژه ها: ایران، عثمانی، ژنرال کنسولگری، مسیو گله، اسماعیل فرزانه، کارگزاری.

\* N\_dehnavi@pnu.ac.ir

\*\* shahramgholami1975@gmail.com

## ۱ مقدمه

وزارت امور خارجه، در دوره حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار و در سال ۱۲۹۹ق، طبق الگوی اروپایی و بر پایه تشکیلات جدید سازماندهی شد. این وزارتخانه شامل چهار بخش بود که به امور مربوط به بریتانیا، روسیه، عثمانی و کشورهای غیرهمسایه می‌پرداخت. تا پیش از انقلاب مشروطیت، کلیه کارگزاری‌های ایران در ممالک خارجه، اعم از سفارتخانه‌ها، سرکنسولگری‌ها، کنسولگری‌ها و کنسولیاری‌ها<sup>۱</sup>، به‌ویژه در حوزه مالی، سازماندهی دقیقی نداشتند و در عمل به وزارتخانه متبوعه خویش پاسخگو نبودند. انقلاب مشروطیت تأثیر فراوانی بر نظام دیوان‌سالاری ایران بر جای گذاشت و وزارت امور خارجه به‌عنوان یکی از بخش‌های این نهاد بود که سازماندهی، پاسخگویی و شفافیت آن در حوزه‌های مختلف در دستور کار دولت وقت و مجلس قرار گرفت. به همین روی، دستورالعمل‌هایی برای یکسان‌سازی شکلی حوزه مالی کارگزاری‌ها در مناطقی چون قفقاز و نیز عثمانی به اجرا درآمد. مسیو کله، مستشار بلژیکی، برای اجرایی کردن این دستورالعمل و سروسامان دادن به کلیه کارگزاری‌ها در مملکت عثمانی، به غیر از عراق عرب، تعیین و روانه شد.

## ۲ مأموریت مسیو کله به عثمانی و اقدامات وی

پس از انقلاب مشروطیت، برحسب پیشنهاد وزارت امور خارجه به مجلس شورای ملی، بایستی کلیه کارپردازی‌های ایران در ممالک خارجه، از حیث تشکیلات، در قالب یک نظام متحد درآیند و همه عایدات به خزانه دولت واریز شود و دولت موظف به تعیین بودجه‌ای مشخص برای هر یک از آنها بود (استادوخ، ۱۱، ۱)؛ از این رو، وزارت امور خارجه، مسیو کله، از مستشاران بلژیکی در گمرکات ایران (آریان‌پور، ص ۳۰۰)، را به‌عنوان «مفتش کل وزارت خارجه»، به منظور اجرا و سازماندهی امور تذکره و عایدات شانسلری<sup>۲</sup>، تنظیم و تسبیق امور تعرفه‌ها، محاکم کنسولگری‌ها، مرتب نمودن حوزه اختیارات

۱. در متن سند: «سفارت کبری»

۲. در متن سند: ژنرال کنسولگری

۳. در متن سند: ویس کنسولگری

۴. شانسلیر یا چانسلیر (Chancellor) عنوان یکی از مقامات عالی حکومتی یا دانشگاهی است (صدراعظم، مستشار، رئیس دانشگاه و...) (Cambridge Dictionary)

کنسولگری‌ها در مملکت عثمانی (به غیر از عراق عرب) و درجه‌بندی آنها، و در نهایت پیشنهاد بودجه برای هریک از آنان مطابق با ساختار جدید، در ربیع الاول ۱۳۲۸ تعیین کرد و به استانبول فرستاد (استادوخ، ۱۱، ۷).

مسیو کُله در ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۸ وارد استانبول شد، و هم‌زمان، اسماعیل فرزانه نیز به عنوان ژنرال کنسول جدید ایران در استانبول و همکار کُله، برای اصلاحات مورد نظر وزارت امور خارجه، به محل مأموریت خویش رسید؛ و از سیزدهم آن ماه رسیدگی به امور را آغاز کردند (همان، ۱۱، ۱). کُله در ایام مأموریت خویش که تا جمادی الاول ۱۳۲۹ ادامه داشت، گزارش‌های مفصّلی در باب اوضاع کنسولگری‌های ایران در عثمانی، تجارت ایران در آن کشور و به‌ویژه تجارت تنباکو و قالی و نیز تبیین نرخ لیره به قران (همان، ۱۱، ۲۳؛ اسناد سازمان اسناد ملی، سند شماره ۵۱۱۳/۳۶۰) به وزارت امور خارجه و وزارت گمرکات فرستاد که این گزارش نیز یکی از آنهاست.

استقرار و تثبیت ساختار فاسد، غیرشفاف، نابسامان و غیرپاسخگو در کلیه کارگزاری‌های ایران در خاک عثمانی از عمده موانع فراروی اقدامات اصلاحی مأمور اعزامی از سوی وزارت امور خارجه محسوب می‌شد. تا آن روزگار، اغلب کاربه‌دستان و نیروهای موجود در این کارگزاری‌ها، به اندازه‌توان و نفوذ خویش از منافع و منابع ایرانیان در آن سامان و نیز دولت ایران در جهت منافع شخصی بهره می‌بردند؛ بنابراین، مسیو کُله و اسماعیل فرزانه از همان آغاز مأموریت از جوانب مختلف با کارشکنی و اختلال در امور خویش روبه‌رو شدند. در این ایام، از یک طرف، میرزا علی اکبرخان مفخّم السلطنه، برادر میرزا رضاخان ارفع‌الدوله، مدام در پی مشکل‌آفرینی و تحریک دیگران علیه اصلاح‌گران بود و از جانب دیگر، فرج‌الله‌خان مستنصرالسلطنه، سفیرکبیر ایران در استانبول، اقدامات فرزانه و کُله را به‌نوعی دخالت در امور خویش قلمداد می‌کرد، و برخلاف دستور وزارت امور خارجه، همکاری لازم را با این دو انجام نمی‌داد. سرانجام، اسماعیل فرزانه در گزارشی مفصّل به وزارت خارجه، در ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸، به نابسامانی سرکنسولگری ایران در استانبول از بدو ورود اشاره کرد و از وزیر امور خارجه خواست که مفخّم السلطنه را، برای پایان دادن به کارشکنی‌های او، به تهران احضار نماید (استادوخ، ۱۱، ۱).

کُله نیز، در این گزارش، شرح جامعی از اوضاع سرکنسولگری ایران در استانبول، از ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۸، در باب شرایط این سرکنسولگری، پیش و پس از ورود خود، در اختیار وزارت

امور خارجه ایران قرار داد. وی در این گزارش، ابتدا به بحث در باب اوضاع تذکره و شانسلری و شرایط گذشته و حال آن می‌پردازد و سپس راهکارهای خود برای سامان دادن به آنها را در اختیار کاربه‌دستان ایران قرار می‌دهد. یکی از مشکلات پیش روی کله، برای درک و فهم بهتر از اوضاع مالیة سرکنسولگری ایران در اسلامبول، نبود آرشيوهای مناسب و معدوم شدن بسیاری از اسناد و مدارک ارزشمند در باب موضوعات مورد نظر ایشان برای اصلاح امور بود (همچنین ← همانجا؛ خان ملک ساسانی، ص ۲۲۷-۲۶۶). نقش سفیرکبیر ایران در انتخاب سرکنسول در اسلامبول و عملکرد این دو در ثبات یا بی‌ثباتی امور مختلف و نیز ثبت و ضبط اطلاعات دلخواه خویش در گذشته، کله را در انجام امور و گردآوری اطلاعات درست با مشکلات فراوان روبه‌رو ساخت و از جمله عوامل دل‌نگرانی‌های مفتش مذکور بود.

یکی از نکات ارزشمند این گزارش مفصل، اشاره به تعداد ایرانیان در اسلامبول در روزگار گذشته و نیز در ایام حضور کله در آن شهر است که این بخش در بازشناسی شرایط ایرانیان آن دیار بسیار ارزشمند است.

عملکرد مأموران ایرانی و عثمانی در قبال ایرانیان اسلامبول در حوزه‌های مختلفی چون دریافت تذکره، دعاوی حقوقی و... از دیگر مباحث مهم این گزارش محسوب می‌شود. عایدات سرکنسولگری و دیگر کنسولگری‌های ایران در اسلامبول و نقاط دیگر عثمانی، بخشی از گزارش را در بر گرفته است. بی‌سروسامانی آرشيو سرکنسولگری در این حوزه و نبود آمار دقیقی در این باب بر پیچیدگی درک و شناخت این موضوع بسیار افزوده است.

شرایط آشفته سیاسی ایران در خلال انقلاب مشروطه و تحولات پس از آن، زمینه را برای باج‌خواهی عثمانی از اتباع ایرانی در آن کشور فراهم کرده بود. بی‌توجهی مأموران عثمانی به حق و حقوق ایرانیان آن سامان در حوزه‌های مختلف و حتی اعزام آنها به خدمت نظامی گواهی بر سوء استفاده‌های این همسایه از وضع موجود ایران بود که در این گزارش به دقت به آنها اشاره شده است. گزارشگر، از بُعد تاریخی، نگاهی مختصر به بحث و مسئله تابعیت اتباع ایران در عثمانی انداخته و به قوانین و مذاکرات دو کشور در این حوزه اشاره کرده است. همچنین به عملکرد حکام عثمانی و ایران در باب این موضوع در دوره مذکور پرداخته که خود از نقاط قوت این گزارش دقیق است.

شرایط و اوضاع ایرانیان ارمنی در مملکت عثمانی، از روزگار حاکمیت سلطان محمود دوم تا

هنگام نگارش گزارش به قلم مسیو کله، از موضوعات پراهمیت آن است و اطلاعات گران‌بهایی در اختیار قرار می‌دهد.

اعتماد و اطمینان به ایرانیان در خاک عثمانی، در روزگار پیش از انقلاب مشروطه، و عملکرد نامناسب بسیاری از ایرانیان در حوزه تجاری، پس از انقلاب مزبور، به فرسایش شدید سرمایه اجتماعی ایرانیان در روزگار مورد اشاره منجر شد که در این گزارش به‌نیکی به این بحث پرداخته شده است. کله، در بررسی‌های دقیق خود، دریافت که در گذشته، ایرانیان در کشور عثمانی به «بروز وجدان در کارها و صحت در معاملات و یک دیانت فوق‌العاده در تعهدات تجارته و یک دقت کامل در پرداخت وجوه در موعد قبول بروات و غیره» معروف بودند؛ اما از دوره مشروطه و شکل‌یابی آشوب‌های متعدد در ایران در طی حاکمیت محمدعلی شاه قاجار، تقلب تجار ایرانی در معامله، و درنهایت، اعلام ورشکستگی آن‌ها موجب بر باد رفتن اعتماد و اطمینان به ایرانیان ساکن دیار عثمانی شد، دیگر عثمانی‌ها و تجار خارجی در خاک عثمانی از معامله با تجار ایرانی پرهیز می‌کردند، که این موضوع پیامدهای ناخوشایند فراوانی، از زوایای مختلف، برای ایرانیان و نیز دولت ایران داشت.

### ۳ متن گزارش مسیو کله به وزارت امور خارجه ایران و مدیر کل گمرکات، در تاریخ ۱۱

ژوئیه ۱۹۱۰

دارالترجمه وزارت امور خارجه

ترجمه راپورت مسیو کله از اسلامبول، مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۰

جناب وزیر امور خارجه دولت علیّه ایران

آقای مدیر کل گمرکات

(طهران)

با کمال افتخار راپرت مأموریتی را که به اینجانب در اسلامبول محول شده است، تقدیم می‌نمایم. به واسطه تلگرافاتی که در بلژیک به بنده رسید، از مقاصد اولیای دولت علیّه راجع به وظایفی که در اسلامبول برای بنده معین شده بود، مستحضر گردیده، ولی تصور می‌کردم شغل بنده در خاک عثمانی فقط ترتیب محاسبات و عایدات تذکره خواهد بود، چنان‌که در قفقازیه معمول است. بنده اجرای مأموریت خود را با همین نیت شروع کردم، ولی قریب یک ماه بعد، یعنی به تاریخ ۱۴

آوریل تلگرافی از جناب معاون‌الدوله<sup>۱</sup>، به عنوان شارژدافر<sup>۲</sup> سفارت کبرای ایران در اسلامبول رسیده، بر حوزه وظایف بنده افزود. مضمون تلگراف مزبور این بود: «مسیو کله، مفتش کل وزارت خارجه، مأمور است که به معاونت سفارت کبری ترتیب تذکره و عایدات شانسلری قنسلگری‌های ایران را در عثمانی اساساً اصلاح نماید، به استثنای قنسلگری‌های عراق عرب. در صورتی که مسیو کله در انجام تعلیمات مقرر به اشکالاتی مصادف شود، البته به سفارت کبری متوسل شده و سفارت کبری بدون تردید او را به تمام قنسلگری‌ها معرفی نموده و در انجام مأموریت اصلاحات از او مساعدت خواهد کرد».

این اوامر وزارت جلیله بنا بر تفسیر شارژدافر صریح بوده، یعنی دیگر مأموریت و وظیفه بنده به ترتیب مسئله مالی، یعنی دریافت رسوم شانسلری و تذکره و ترتیب محاسبات آن منحصر نمی‌شد، بلکه شامل می‌گردید بر اصلاح ترتیب شانسلری و متناسب نمودن تعرفه‌ها و تنظیم محاکم قنسلگری و تشخیص قنسلگری‌های شغلی و قنسلگری‌های افتخاری و مرتب کردن دایره قنسلگری‌ها و درجات آنها و پیشنهاد نمودن بودجه هر یک از نقاط.

هر قدر دایره این وظایف وسیع و اشکالات آن زیاد باشد، ولی بنده مطیع اوامر جناب وزیر امور خارجه و رئیس هیئت مأمورین بلژیکی هستم و کوشش خواهم نمود که در مقابل حسن ظنی که نسبت به بنده ابراز نموده‌اند، حسن خدمت بروز دهم.

بدیهی است که در انجام این وظایف مختلفه، همواره این نکته را رعایت خواهم کرد که اقدام بنده باید به استظهار و موافقت سفیرکبیر و ژنرال قنسل ایران در اسلامبول باشد. به علاوه، در هر موردی که اجرای اقدام جدید مهمی در پیش باشد، مراتب را به عرض اولیای وزارت امور خارجه خواهم رساند.

این ملاحظات بی‌فایده نیست، چه مطلقاً لازم است بدانم دولت مخدوم من چه انتظاری از بنده دارد. آن وقت می‌توانم نقشه تکالیف خود را کشیده و ترتیب خدمت خود را بدهم. هرگاه در مراتب فوق، مطلبی را برخلاف آنچه مقصود جناب وزیر امور خارجه و آقای مدیر کل گمرکات

۱. میرزا ابراهیم خان غفاری ملقب به «معاون‌الدوله» فرزند فرخ‌خان امین‌الدوله کاشی غفاری، در زمان حاکمیت ناصرالدین‌شاه با سمت پیش خدمتی، جزو عملة خلوت سلطنتی بود. وی در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نفوذ فراوانی داشت. او در سال ۱۳۲۸ق منصب وزارت امور خارجه را در کابینه سپهدار اعظم به عهده داشت (سلیمانی، ۱۵۷).

۲. شارژدافر، کاردار (عمید، ذیل واژه)

باشد فهمیده باشم، از معظم لها خواهشمندم سوء تفاهم بنده را رفع نموده، تعلیمات مفصل در آن خصوص مرحمت فرمایند.

[۲] اینک قبل از تشریح اینکه پیش از آمدن بنده و جناب فرزانه<sup>۱</sup> اوضاع از چه قرار بود و قبل از توضیح اینکه اقدامات اولیه و خدمات بنده در این دو ماهه چه بوده است و قبل از اینکه پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهای خود را برای آتیه به عرض برسانم، باید علت تأخیر در تقدیم این راپرت را عرض کنم.

از آنچه در طی این راپرت به عرض می‌رسد ملاحظه خواهند فرمود که وضع قنسولگری‌های ایران در عثمانی و مخصوصاً در اسلامبول چقدر پیچیده و درهم است و پی بردن به آن چقدر اشکال دارد. لهذا ممکن نبود در ضمن راپرتی که چند هفته بعد از شروع مأموریت نوشته شده، بتوانم اوضاع را درست تشریح کنم و مأمور معظمی که زمام امور خارجه در دست اوست و باید مسئولیت تصویب اتخاذ اقدامات را بر عهده بگیرد، نمی‌توانست از چنان راپرتی اطلاعات لازمه حاصل نماید.

اما در مندرجات این راپرت دقت کامل به عمل آمده و راپرت مزبور با موافقت جناب فرزانه، ژنرال قنسول دولت علیّه، نوشته شده است. امیدواریم وقتی که در ملاحظه این کار به خرج داده‌ایم، ضامن صحّت نظریات ما بوده و تصویب اقدامات و عملیاتی را که پیشنهاد کرده‌ایم، تأمین نماید.

چون وزارت امور خارجه به واسطه بروز حیات ترقی‌جذیده که اولیای دولت و افراد ملت را به هیجان آورده است یک قسمتی از اجرائیات پرگرام اصلاحات خود را به ما محول داشته، لهذا باید از اینکه جسارت نموده پاره‌ای مسئولیت‌ها بر بعضی اشخاص وارد آورده‌ایم ما را معذور دارند.

در موقع ورود ما به اسلامبول در ژنرال قنسولگری ایران، یعنی در تاریخ حَمَل ۱۳۲۸، ژنرال قنسولی که از خدمت خارج می‌شد، نه پولی به ما تحویل داد و نه تمبر و نه صورت حساب منظمی. افتخار، که ژنرال قنسول سابق باشد، اظهار نمود که پولی در صندوق ندارد و بنابراین چیزی نباید به

۱. اسماعیل فرزانه، فرزند میرزا علی خان حکیم‌الممالک قمی، از تحصیل‌کرده‌های روسیه و آلمان بود که پس از اتمام دوره تحصیل، به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و مناصب مختلفی در این وزارتخانه به عهده داشت (علوی، ۱۶۹). وی در ربیع الاول ۱۳۲۸ ق به دستور میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله، وزیر امور خارجه وقت، به‌عنوان ژنرال کنسول ایران در اسلامبول تعیین و عازم آن دیار شد.

جانشین خود پردازد، ولی می‌گفت مقدار تمبری که هنوز موجود است حاضر در ازای مبلغی که باید قبلاً پرداخته شود، تسلیم نمایم. تعیین آن مبلغ هم بسته به قرارداد است. بدیهی است که این قسم معامله و مذاکره در خصوص قیمت را نمی‌توانستیم قبول کنیم. از آن طرف، چون تمبر جدید هم از طهران نرسیده بود، برای معتبر نمودن تذکرات و قبوض شانسلی معطل بودیم.

خوشبختانه مستحضر شدیم که انجمن محلی اسلامبول<sup>۱</sup> یک سال قبل مقدار تمبری که از طهران فرستاده شده و معادل سیزده هزار تومان بوده است، جبراً ضبط کرده و هنوز مقداری از آن را موجود دارد. مقدار تمبر باقی را مطالبه کردیم و انجمن هم بدون اشکال تحویل داد. با این مقدار تمبر توانستیم فوراً کار ژنرال قنسولگری اسلامبول را راه بیندازیم.

چون دولت علیّه میل دارد و امیدوار است بتواند قنسولخانه‌های خود را در عثمانی ترتیب صحیحی داده و به وسیله عایدات تذکره و شانسلی که در محل عاید می‌شود، بودجه آنها را تأمین نماید. لهذا باید قبل از همه چیز مسائل راجعه به اجرای این خیال را در نظر بگیریم. [۳] پس بدو کیفیت راجعه به تذکره و شانسلی اسلامبول را در تحت نظر در آورده، بعد به سایر قنسولگری‌ها خواهیم پرداخت.

آرشیوهای ژنرال قنسولگری اگر معدوم صرف نباشد، اقلماً باید گفت منحصر به مقدار بسیار قلیلی شده، مع‌ذالک استنباط کردیم که عایدات ثبت شده در سه سال اخیر از این قرار بوده است:

سنه	۱۳۲۵	تذکره	۶۲۳۰۰ قران	شانسلی	ندارد
سنه	۱۳۲۶	تذکره	۲۱۱۲۰ قران	شانسلی	ندارد
سنه	۱۳۲۷	تذکره	۴۶۷۹۰ قران	شانسلی	۲۷۰۰۰ قران

مسلم است که به ارقام فوق چندان اهمیتی نباید داد، زیرا چنان که عرض کردم، صورت حساب مرتبی موجود نیست. علاوه بر اینکه چندین سال است تعیین قنسول فقط به توسط سفیرکبیر به عمل می‌آمده.

بعد از اینکه شخصی از ترتیبات سابق اینجا مستحضر شد، هر قدر مقید باشد به اینکه بعضی اصطلاحات ناگوار استعمال نکنند، مع‌ذالک باید این فقره را عین واقع دانست که ژنرال قنسول ایران در

۱. منظور «انجمن سعادت ایرانیان» در استانبول است.



اسلامبول دلال سفیرکبیر بوده و ژنرال قنسولگری عبارت بوده است از بساط دلالی. از آنچه تلواً به عرض می‌رسد، معلوم خواهد شد که این تأکید بنده بی‌ربط نیست.

قانون کلی در اسلامبول این بوده است که اقلاناً نصف عایدات به سفیرکبیر پرداخته می‌شده و سفیرکبیر هم، چه شخصاً و چه به توسط اطراف‌های خود، احتیاطات لازمه به عمل می‌آورده است. نه فقط برای اینکه ارباب رجوع و ضمناً عایدات ژنرال قنسولگری زیاد شود، بلکه در خصوص اجرای صحیح مسئله تقسیم عایدات دقت می‌نموده است.

این کوشش و جهد از قراری که به نظر می‌آید، کاملاً تلافی می‌شده و می‌گویند صندوق قنسولگری در بعضی سال‌ها متجاوز از هفت هزار لیره عثمانی موجودی داشته است.

لزوم تأمین و مراقبت منافع سفارت کبری مکرر اسباب این شده بود که برادرهای سفیرکبیر به سمت ژنرال قنسولگری اسلامبول نایل گردیده بودند. اولیای دولت علیّه ایران عن‌قریب شکایتی را که سفارت کبرای انگلیس نموده، ملاحظه خواهند فرمود و خواهند دید طمع و تقلب بعضی از مأمورین ایران چقدر ممکن است اسباب دردسر امنای دولت و افتضاح دولت را در خارجه فراهم نماید. این مأمورین علاوه بر مقرری‌های معینه، تمام عایداتی را که بایستی به صندوق دولت تحویل شود، ضبط نموده و برای احتراز از مسئولیت از عایدات مذکوره، فقط صورت حساب ساختگی و مبالغ خیلی مختصر نشان می‌دهند که کفایت مقرری مستخدمین و مأمورین جزء را هم نمی‌کند. بنابراین، دیگر به صورت حساب‌های این مأمورین چه اطمینان و اعتمادی می‌توان داشت؟

بنده با کمال تأسف [از] یک نفر مأمور قنسولگری که از اسلامبول عازم طهران بود شنیدم که می‌گفت من مبالغ گزاف از دولت طلب دارم و مطالبه خواهم کرد و حال اینکه بنده می‌توانم ثابت کنم همین مأمور مبالغ خیلی گزاف‌تر عاید داشته و در محاسبات خود ابدأ [۴] اسم نبرده است.

این چند فقره نظریات از قبیل جمله معترضه، ولی ذکر آن برای استحضار خاطر اولیای امور بی‌فایده نبود تا بدانند که واقعاً موقع اصلاح رسیده است.

بنا بر آنچه عرض شد، معین است که مقدمات لازمه برای تخمین عایدات سابق ژنرال قنسولگری و پیش‌بینی عایدات آتیه در دست نیست. فقط چیزی که هست در مسئله تذکره می‌توان تخمیناً مبلغ عایدات را پیش‌بینی کرد.

در این فقره، از قرار اظهارات بعضی از مأمورین قنسولگری که چند سال اخیر در خدمت

بوده‌اند، عده‌ای ایرانی‌های مقیم اسلامبول که قاعدتاً باید تذکره اقامت تحصیل کنند، تقریباً چهارهزار، و به اکثر تقریب، پنج‌هزار نفر هستند. بنابراین، عده کلیه ایرانیان مقیمین اسلامبول از ۷۰۰۰ الی ۸۰۰۰ نفر باید باشد؛ ولیکن بعد از ظهور وقایع سیاسی اخیر که در ایران و عثمانی روی داده، یا عده ایرانی‌های مقیم اسلامبول خیلی تنزل کرده و یا رعایای ایران چندان اهمیتی به احکام دولت راجع به گرفتن تذکره اقامت سالیانه نمی‌دهند.

به موجب همان اطلاعات، معلوم می‌شود که در سال ۱۳۲۵ هجری ۲۷۳۳ تذکره داده شده است. در سنه ۱۳۲۶ [ق] ۸۸۶ تذکره، و در سنه ۱۳۲۷ [ق] ۲۰۲۸ تذکره.

دادن تذکره اقامت در خاک عثمانی در تحت آثاری است که در قفقازیه نیست. در ممالک قفقاز، اداره نظمیة محلی اتباع ایران را مجبور می‌کند که همه‌ساله تذکره اقامت خود را با امضای رسمی مأمورین ایران ارائه نمایند و این فقره اسباب رواج تذکره است. بنابراین، در خاک قفقازیه اجرای مقررات ماده نظام‌نامه راجع به دادن تذکره محتاج به استعمال قوه جبریّه و تجسس و اصرار نیست. پلیس روس بالطبع اتباع ایران را به داشتن تذکره مجبور می‌کند. ابرام و سختی مأمورین نظمیة روس هم بر همه‌کس معلوم است.

در ممالک عثمانی ترتیب طور دیگر است؛ یعنی مأمورین اینجا گاهی از اتباع ایران تقاضای تذکره مرور که از طرف قنسول‌های ایران داده شده باشد، می‌نمایند؛ ولی کلیتاً و عموماً فقط در موقع ورود ایرانی‌ها به خاک عثمانی و در موقع خروج از آنجا مطالبه تذکره از ایشان می‌شود.

توضیح آنکه اخیراً قانونی وضع شده دایر بر موقوفیت تذکره مرور و این قانون تقریباً ۴۰/۰۰۰ قران از عایدات قنسولگری‌ها کسر خواهد کرد، به واسطه اینکه برای ویزای تذکره‌های مزبور از هر تذکره ۱۵ غروش اخذ می‌شد و عده تذکره مرور هم در کلیه قنسولگری‌های ایران به ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ می‌رسید. در غیر از موقع خروج و ورود [به] خاک عثمانی، مأمورین دولت مزبوره ابداً اجباری دایر بر گرفتن یا تجدید تذکره اقامت در هر سال به اتباع ایران تحمیل نمی‌کنند.

بعدها ذکر خواهد شد که اولیای دولت عثمانی، برعکس، میل دارند تبعه ایران تکلیف خود را در این خصوص فراموش نماید و حاضرند، در کمال سهولت، تذکره تبعیت عثمانی به ایشان بدهند.

[۵] در واقع، افکار عموم مردم در خصوص تکالیف قانونی ایشان همین‌طور است؛ مثلاً در

مورد پرداختن مالیات یا حقوق و رسوم دیگر به ندرت اتفاق می‌افتد که کسی بنابر وجدان تکلیف خود را ادا کند. غالباً باید یا قوه قهریه در کار باشد یا ببینند در عوض فداکاری نقدی که می‌نمایند، امید منافع جدی هست.

چنان‌که عرض کردم، مأمورین دولت عثمانی اتباع ایران را مجبور به تحصیل تذکره اقامت نمی‌کنند و نمی‌توان هم از ایشان تقاضا نمود که این رویه را پیش بگیرند. از طرف دیگر، قنسول‌ها هم نمی‌توانند، برای مجبور کردن اتباع به تحصیل تذکره، قوه جبریه استعمال نمایند، زیرا که این فقره منجر به سوءرفتار خواهد شد، و علاوه بر این، اتباع ایرانی که به این ترتیب تعقیب شده یا منفعتی زیاد داشته باشند از تبعیت خارج خواهند شد.

چون اجبار فعلی نمی‌توان استعمال کرد، چاره‌ای نیست مگر اجبار معنوی یا تأمین منافع و مرجحات کافی و نتایج این هم خیلی مختصر است. چنان‌که ذیلاً توضیح می‌شود، اتباع ایران که رسوم سالیانه بیست فرانک و سی فرانک و پنجاه فرانک را می‌پردازند با حالت حالیه قنسول‌خانه‌های ایران در عثمانی صرفه زیادی نمی‌برند.

از یک طرف، چنان‌که در زمان حکومت حمیدی معمول بود، معافیت از مالیات‌ها و رسوم محلیه شامل حال ایشان نمی‌شود، بلکه عن‌قرب، همان‌طور که از اتباع عثمانی اصنافیه گرفته می‌شود، از اتباع ایران نیز گرفته خواهد شد. از طرف دیگر، هیئت قنسول‌های ایران که اهل رشوه و بی‌علم و غالباً بی‌عرضه می‌باشند به کلی حیثیت و نفوذ خود را از دست داده، چنان‌که عموماً از حفظ منافع اتباع خود عاجزند.

علاوه بر این، دولت عثمانی که اغتشاشات داخلی ایران را مغتنم دانسته و نسبت به دولت همسایه خود - ترتیبش محتاج به توضیح نیست - در هر موردی که منافع اتباع ایران در میان باشد، برای شناختن حقوق واضح و حقه اتباع مزبور، با یک نقاضتی که هیچ‌قابل‌گفت‌وگو نیست رفتار می‌کند.

در ضمن این راپرت، ناچارم شمه‌ای در خصوص حقوق ملّیت اتباع ایران در عثمانی به عرض برسانم: حقوق مزبوره را دولت عثمانی علی‌الاتصال نقض می‌کند، مخصوصاً در این ایام؛ و هرگاه دولت ایران بخواهد تذکره اقامتی که می‌دهد، و در واقع یک تصدیق‌نامه ملّیت است، فایده‌ای

داشته و از طرف دیگر، در انظار اتباع دولت علیّه و اولیای دولت عثمانی وقعی داشته باشد، باید فوری شروع به اقدامات لازمه نماید.

حکومت ژن تورک<sup>۱</sup> اینک عساکر و قوه نظامی خود را فوق العاده ترقی می دهد و ضمناً ضعف موقتی دولت ایران را غنیمت شمرده، در این مورد کراراً بر حقوق تابعیت ایران مقیمین خاک عثمانی سخته وارد آورده، یعنی جوانانی را که تذکره از طرف قنصل خانه های ایران در دست دارند به خدمت نظامی جلب می کند.

قبل از شروع به تشریح وسایل راجعه، به ترتیب تشخیص تابعیت ایران در خاک عثمانی، چنان که حتی الامکان از تعرض اقدامات اولیای دولت مزبوره مصون باشد، می خواهم وضع حالیه [۶] تشخیص و حفظ تابعیت ایرانیه را در ممالک عثمانی توضیح نمایم و این فقره نیز دو صورت پیدا می کند: یکی مسئله تبعیت اتباع مسلمان ایران است و یکی تبعیت ارامنه تبعه ایران.

اساس حقوق سیاسی عمومی در مسئله تابعیت بر این است که طفل تابع ملیت پدر خود می باشد و اگر هم به موجب حقوق مزبوره طفلی که در خاک خارجه تولد شده است، حق انتخاب بین تابعیت دولت متبوعه پدر خود یا تابعیت دولت مسقط الرأس خود دارد، ولی در هر حال، هیچ قانونی به حکومت محلی اختیار نمی دهد که این مسئله را برحسب اقتضای منافع یا نظریات خود تسویه نماید. در خاک عثمانی، این قوانین را در کتاب حقوق بین المللی که مجری و معمول است ضبط نموده و با نهایت دقت رعایت می کنند، مگر در مورد ایرانی ها.

در سنه ۱۲۳۷ [ق] به موجب فرمانی از سلطان محمود ثانی، راجع به روابط و مناسبات بین عثمانی و ایران، مزاجت بین ایرانی ها و زن های عثمانی قطعاً غدغن شد. به این ترتیب، می خواستند نگذارند تبعه ایرانی در خاک عثمانی تشکیل خانواده دهد تا اینکه نتواند، با وجود اقامت دائمی، در تابعیت اصلی خود باقی بماند؛ یا اینکه، مقصود این بوده است اتباع ایران را به اختیار تبعیت عثمانیه مجبور نمایند.

هنوز هم عثمانی ها این اقدام را تأیید نموده، می گویند مذهب اهل سنت باید خود را از تطاول و نفوذ اهل تشیع حفظ نماید. اولیای دولت عثمانی تصور می کردند، به این تدبیر، از اشکالاتی که ملیت عثمانیه از آن خائف است جلوگیری کرده باشند.

۱. ترک های جوان

دولت ایران در طول یک سرحد ممتدی با مملکت عثمانی مجاور است و از حیث مذهب و عادات نیز با مذهب و عادات ممالک عثمانی شباهت تام دارد. این است که اهالی ایران در اغلب ولایات عثمانی به مرور منتشر و متفرق شده، به طوری که اگر عثمانی‌ها جلوگیری نکنند، برای تفوق نژادی آنها اسباب تشویش و مخاطره است؛ مثلاً از قراری که عثمانی‌ها می‌گویند، اغلب اهالی ولایت بغداد خانواده‌های ایرانی‌الاصلی هستند که اگر دولت عثمانی با تمام قوا در صدد تغییر دادن ملیت آنها نباشد، مسلماً ممکن است یک روزی برای تمامیت مملکت عثمانی یا اقلماً برای امنیت و اتحاد مملکت مزبوره اسباب مخاطره شوند.

چنان‌که از فرمان مذکور سنه ۱۲۳۷<sup>۱</sup> مشهود می‌شود، این خوف تازگی ندارد و از آن سال تا به حال در نظر اولیای دولت عثمانی باقی است. در سنه ۱۲۹۱[ق]، نظام‌نامه مفصلی در تأیید فرمان مذکور مقرر گردید. نظام‌نامه مذکور فقط به توسط عثمانی‌ها ترتیب و انتشار داده شد، یعنی بدون مداخله دیپلماتیک دولت ایران؛ ولی دولت ایران موافق اسناد موجود، در مقابل این فرمان، که یک وضع فوق‌العاده مضر به منافع ایران را تجدید و تأیید می‌نمود، پرتست<sup>۲</sup> کرد.

پس از تأیید منع مزاجت مقرر در فرمان سنه ۱۲۳۷[ق]، نظام‌نامه مقرر در سنه ۱۲۹۱[ق] قید می‌کند که هرگاه تبعه ایران برخلاف قانون مزبور زوجه‌ای از اتباع عثمانی اختیار نماید، زوجه مذکوره و اطفالی که از این تزویج به عمل بیایند تبعه عثمانی ملاحظه خواهند شد و ممکن است دولت عثمانی آنها را به قبول خدمت نظامی یا سایر مقررات قانونی مجبور نماید.

چنان‌که عرض کردم، مأمورین سیاسی ایران ابتدا بر ضد این ترتیب پرتست کردند، ولی بالاخره در سنه ۱۳۰۵[ق] قبول نمودند که در این خصوص با بابعالی یادداشت‌ها ردّ و بدل نمایند. نتیجه این [۷] اقدامات آن شد که مأمورین ایران مدلول احکام و فرامین فوق‌الذکر را قبول کردند، ولی مقرر گردید که در دولت عثمانی فقط اطفال متولده بعد از سنه ۱۳۰۴[ق] حق اجبار به خدمت نظامی داشته باشد.

۱. در متن سند، به اشتباه، ۱۳۳۳۷ نوشته شده است.

۲. واخواست، اعتراض.

تشریح جزئیات این مسئله از حوزه این راپرت خارج است، ولی توضیح اجمالی آن لازم بود؛ اولاً برای اینکه معلوم شود اداره تذکره در این مورد به چه اشکالاتی برمی خورد و ثانیاً، برای جلب توجه اولیای امور وزارت جلیله خارجه بر این نکته مهم حقوقی و مناسباتی که لازم است هرچه زودتر تسویه شود.

نمی توان کتمان نمود که با حالت حالیه ایران اقدام مفیدی برای حل این مسئله نمی توان کرد، ولی چون مسائل مهمه معوقه از قبیل تصفیة عمل سرحدی کردستان در پیش است که باید عن قریب مطرح شود، شاید بتوان در مقابل تعدیات و تجاوزاتی که نسبت به دولت علیه می خواهند معمول دارند، اقلأ بعضی منافع هم در خصوص اتباع ایرانی مقیمین خاک عثمانی حاصل نمود.

وقتی که مراتب فوق را در نظر بگیریم، در صورتی که می دانیم در ممالک عثمانی دفاتر ثبت ولادت و وفات و غیره هم در کار نیست، می توانیم تصور کنیم اتباع مسلمان ایرانی که به سن خدمت عسگری رسیده باشند در ممالک عثمانی گرفتار چه صدمات خواهند بود. مأمورین عثمانی، کسانی که قبل از ۱۳۰۵ [ق] متولد شده اند منکر شده، ادعا می کنند که بعد از سال مزبور متولد شده اند، و در خصوص ابوین اشخاصی که پدر و مادرشان هردو ایرانی بوده، اختلاف می کنند و به رغم تعرضات خود اتباع و حتی قنسولگری ها، هر قسم مذاکره را رد کرده، عده کثیری از اتباع دولت علیه را داخل فوج می کنند.

بنابراین جای تعجب نیست که اغلب مسلمان های ایرانی مأیوس شده و بلکه سلب اطمینان و اعتمادشان از تذکره اقامت می شود، چه غالباً مأمورین عثمانی اعتنایی به تذکره های مزبور ننموده و می گویند چون قنسول های دولت ایران اهل رشوه هستند، این تذکره ها به کلی از درجه اعتبار ساقط است. وقتی شخصی بخواهد به اتباع ایران ملامت کند که چرا از تکالیف خود راجع به تحصیل تذکره اقامت غفلت می کنید، در جواب، عذر می آورند که حمایت و همراهی که اثری بر آن مترتب باشد از ما نمی شود، رعایت ملیت ما را نمی کنند، کارهای اداری قنسولگری ها مغشوش است، و اغلب مأمورین وجوه غیرقانونی به جبر از ما مطالبه می کنند.

این بود مسئله مسلمان های تبعه ایران. حال بینیم ترتیب ارمنی ها چیست؟

چون ملاحظات راجع به وضع و ترتیب ایرانی‌های مقیمین اسلامبول بالاخص راجع به مسلمان‌های تبعه ایران می‌شود، این فقر را بعد به عرض خواهد رسانند. اینجا فقط درخصوص ملّیت ارامنه بعضی اطلاعات راجعه به جماعات ایشان تقدیم می‌نماید.

بدیهی است که حفظ اتباع ارمنی برای دولت علیه نهایت منفعت را دارد، به واسطه اینکه ارامنه در اینجا مقام مهمی در تجارت و صنعت دارا هستند، بلکه می‌توان گفت یک قسمت عمده از معاملات مهمه در دست آنها است. بدبختانه، مهاجرین ارمنی تبعه ایران، مثل مسلمان‌های ایرانی، در مقابل علل مختلفه تغییر تابعیت مقاومت ننموده و به مرور، چه به واسطه قبول تبعیت عثمانیه و چه به واسطه قبول تابعیت دول سائیره، از عده آنها کاسته می‌شود.

[۸] عده‌ای که فعلاً از ارامنه تبعه ایران در اسلامبول باقی است، قریب ششصد نفر می‌شود که دوپست نفر آنها ممکن است تذکره بگیرند. با ارامنه کلیتاً و با ارامنه تبعه خارجه خصوصاً در زمان [سلطان] عبدالحمید سخت‌گیری زیاد می‌شد. اداره نظمیۀ دائماً در صدد تفحص نقض قوانین اقامت بود و همواره در صدد آنکه مظلومین را حتی الامکان از مزیت تبعیت خارجه محروم نماید و ارامنه هم تبعیت خارجه را خیلی عزیز می‌شمردند، به واسطه اینکه ضامن مال و جان آنها همان تبعیت خارجه بود.

مأمورین عثمانی در موقع ورود و خروج اشخاص به طوری دقیق بودند که دفاتر مخصوصه برای ثبت تذکره ارامنه ایجاد شده بود و در خصوص این دفترداری اگر بتوان اسم این را دفترداری گذاشت، نهایت دقت و مراقبت ملحوظ می‌شد. از این مراقبت اکید در مورد ارامنه استمراراً تولید اشکالات می‌شد، چنان‌که بالاخره بابعالی و سفارت مجبور شدند برای تعیین قطعی حقوق ارامنه که اظهار تبعیت ایران می‌کردند، کمیسیونی تشکیل کنند. ابتدا به نظر می‌آمد که این کمیسیون حقیقتاً میل دارد نتیجه قطعی حاصل کند. در کمیسیون مزبور، تبعیت ۱۵۰ خانواده ارمنی مقیمین اسلامبول معتبر شد، ولی بعد این کمیسیون کارهای خود را به کلی منقطع ساخت.

صورت مجالس کمیسیون مزبور چندی بعد از کارتونه‌های سفارت کبرای ایران مفقود شد و بعضی‌ها جسارت نموده، می‌گویند این اسناد گران‌بها را به سرقت برده و فروخته‌اند. سواد غیررسمی هم که از صورت مجالس مذکور باقی است بابعالی قبول نمی‌کند. بعد از این نیت، ترتیب مسئله ارامنه ایرانی، دولت عثمانی در سنه ۱۳۰۵ [ق] مقرر داشت ارامنه‌ای که ادعای تبعیت

ایرانیه می‌کنند این ادعای آنها در صورتی معتبر است که اداره تبعیت وزارت خارجه، تبعیت آنها را تصدیق کند. اگر مأمورین سیاسی ایران آن وقت جداً اقدام می‌نمودند، می‌توانستند از این اعتراف رسمی که به ارامنه داده شده بود مزایای عمده حاصل کنند.

مذاکره حقوق اتباع در وزارت خارجه به توسط یک نفر ترجمان سفارت یا قنصلگری به عمل می‌آید، اما از قرار اطلاعات صحیح که از منابع متعدده حاصل کرده‌ام، معلوم می‌شود که ترجمان‌های مذکور فقط در صورتی اقدام می‌کنند که پولی به آنها داده شود، بلکه عموماً بعد از دریافت پول هم اقدامی نمی‌نمایند.

ارامنه که از یک طرف، گرفتار تعرضات و صدمات عثمانی‌ها و از طرف دیگر، غالباً دچار<sup>۱</sup> خام‌طبعی ترجمان‌های ایرانی هستند، بلکه اغلب مأمورین محترم‌تر دولت نیز آنها را می‌دوشند، مایوس شده، اغلب داخل ملت و تبعیت عثمانی شده‌اند، خصوصاً در این سنوات اخیر که حکومت مشروطه ظاهراً به آنها بیشتر آزادی و امنیت می‌دهد. آنهایی که در تبعیت ایران باقی مانده‌اند، غالباً با مأمورین عثمانی اشکالات پیدا می‌کنند و مأمورین مذکور در مواردی که برای خزانه دولت دخلی مشهود شود، مثلاً در موقع خرید و فروش اموال و تسویه میراثات و تفریغ ورشکسته‌ها مداخله نموده، به قوه جبریه اخذ رسوم می‌نمایند و اظهار می‌کنند که مدعیات مأمورین ایرانی بی‌اساس است. در این [۹] موارد هم اقدامات مأمورین عثمانی استیناف‌ناپذیر است و هیچ قابل مذاکره نیست.

تقلب عثمانی‌ها به اندازه‌ای است که تصدیق‌های رسمی اداره وزارت خارجه را هم قبول ندارند و می‌گویند مدرک آن ملاحظه و رسیدگی ناقص یا تقلب بوده است. وقتی که شخص تصور حال ارامنه ایران را در خاک عثمانی در زمان سلطنت عبدالحمید می‌کند، نمی‌تواند خود را از یک حس ترحم منع نماید.

ارامنه مزبور میل داشتند هر طور هست جان و مال خود را از اقدامات آن جبار قهار حفظ کنند. این بود که، به تمام وسایل، خود را به اسم تبعیت ایران بسته بودند و این میل مفرط برای قنصل‌های ایران یک وسیله فوق‌العاده از برای تحصیل عواید بود.



چندی قبل تذکره مسلمان‌ها به قیمت ۲۰ یا ۳۰ یا ۵۰ قران فروخته می‌شد، ولی ارامنه اقلماً برای تذکره می‌بایستی سه تومان بدهند و حداکثر آن ده تومان بود که غالباً می‌گرفتند و همچنین در مورد سایر اسناد قنسولگری، مثلاً امور قضاوتی و تقسیم میراث و تفریح ورشکستی و غیره، تعرفه رسوم قنسولگری به همان نسبت درباره ارامنه و مسلمان‌ها متفاوت بود. اما امروز اگر قنسولگری ایران به ارامنه رجوع نموده، بخواهد اطمینان بدهد که دوره اخذ پول زور و اقدامات ظالمانه گذشته است، هیچ جای تعجب نیست که در مقابل یک چنان سابقه‌ای ارامنه اطمینان حاصل نمی‌کنند. لازم بود که بنده مراتب مزبور را چه از نقطه نظر اتباع مسلمان چه از نقطه نظر اتباع مسیحی عرضه دارم، زیرا از نکات مسطوره اطلاعات خوب حاصل می‌شود و حتی جای تبریک است که وزارت امور خارجه درصدد اصلاح فوری این ترتیبات برآمده، مسلم است که از اطلاعات مزبوره چه نتایج عملی می‌توان گرفت و چه اقداماتی باید کرد: اولاً باید سفارت کبری را ملزم نمود که مستقیماً و جداً در مسئله تشخیص تابعیت اقدام کند. قنسولگری‌ها را فوری اصلاح نماید چه از نقطه نظر اجزا و مستخدمین و چه از حیث تشکیل و ترتیب بودجه و بالاخره یک تعرفه عمومی برای شانسلری‌ها مقرر نموده و فوراً ترتیبی اتخاذ نماید که هر یک از اتباع ایران یک سند قطعی راجع به تشخیص تابعیت و شخصیت خود در دست داشته باشند و ضمناً در آرشیو قنسول‌خانه‌ها نیز شخصیت هر یک از اتباع ایران ثبت و ضبط باشد. شرح این اقدامات در طی این راپرت درج خواهد شد. بی‌فایده نیست که در خصوص پیشنهاد اخیر خود بعضی ملاحظات فوراً تقدیم نماید؛ چون این ابداع اخیر را تا اندازه‌ای در جنرال قنسولگری اسلامبول معمول داشته‌اند.

چنان‌که عرض شد، باید هر یک از اتباع ایران یک سند قطعی راجع به تشخیص تابعیت و شخصیت خود داشته و ضمناً در آرشیو قنسول‌خانه‌ها نیز شخصیت هر یک از اتباع ایران ثبت و ضبط باشد. تذکره اقامت، به ترتیبی که فعلاً معمول است، برای این نتیجه به نظر غیرکافی و ناقص می‌آید. توضیح آنکه این تذکره‌ها همه‌ساله تجدید می‌شود؛ بدون اینکه تذکره باطله سال قبل سندیت تذکره لاحق را تثبیت و تأیید نماید.

در عوض تذکره اقامت، بنده پیشنهاد می‌کنم کتابچه‌های تعیین شخصیت معمول نمایند که به طور استحکام صحافی شده. این کتابچه‌ها در واقع یک قسم معرفی نسب خواهد بود [۱۰] که کلیتاً

یک دفعه به اشخاص داده می‌شود. چند صفحه اول از دفترچه مزبور مشتمل خواهد بود بر نقشه کوچکی از ایران، با تعیین ولایات و حدود مملکت، به‌علاوه بعضی اطلاعات مقدماتی راجع به جغرافیا و تاریخ ملت ایران. بعد در ضمن چند صفحه، بعضی مطالب درج می‌شود که وطن‌پرستی ایرانی را تحریک کرده و تکالیف هر یک را برای حفظ ملیت خود در خارجه معین خواهد نمود.

بعد تفصیل شخصیت صاحب کتابچه، یعنی اسم شخص و اسم پدر و ولایتی که خانواده او از آنجا آمده‌اند و سن و شغل و تاریخ عروسی و اطفال و تاریخ ورود صاحب کتابچه به خاک خارجه ذکر و ثبت خواهد شد.

بالاخره عمده فایده این کتابچه آن است که در آخر کتابچه چند ورق سفید، به جای تذکره اقامت، قرار داده شده است که همه‌ساله یک تصدیق‌نامه قنسولی در روی آن نوشته و امضا و تمبر باید بشود. ضمناً عین تصدیق مزبور روی یک قطعه کاغذ یا مقوای ساده‌تر که برای چندین سال در قنسول‌خانه باید ضبط شود، نقل شده و مهر و تمبر می‌شود.

بنده یقین دارم که احداث این ترتیب اولاً چون یک چیز تازه‌ای است و دلالت بر ترقی می‌کند، اسباب خوشنودی اتباع خواهد شد و ثانیاً یک اطمینان بزرگ‌تری است در مقابل دولت عثمانی؛ زیرا که آن وقت مأمورین عثمانی در موقع اختلاف نمی‌توانند منکر دو سند متشابه شوند که یکی کتابچه مذکوره و یکی ورقه موجوده در قنسولگری باشد. در صورتی که ورقه اخیر مرتباً چندین سال در قنسول‌خانه نگاه داشته شده و غالباً قنسول‌های مختلف مراقب ترتیب آن بوده‌اند. با این ترتیب، کار قنسولگری‌ها کمتر خواهد شد و شکی نیست که قیمت تهیه نمودن کتابچه‌ها در واقع کمتر از ترتیب اوراق تذکره اقامت حالیه خواهد شد؛ چه، از قرار اطلاعات حاصله، یک کتابچه که به طور محکم صحافی شده باشد در لیبزیک چهل سانتیم تمام می‌شود که کمتر از یک قران باشد. بنده به این پیشنهاد اهمیت می‌دهم به واسطه اینکه این ترتیب جواب ایرادات کثیره مأمورین عثمانی را می‌دهد. مأمورین مزبوره غالباً عدم اعتبار تذکره‌های اقامت حالیه را بهانه کرده، می‌گویند این تذکره‌ها در خصوص اسلاف و صاحب تذکره فایده‌ای نداشته و دادن این تذکره‌ها را مستند به دادن رشوه می‌نمایند.

در طی ملاحظه وسایل مالی ژنرال قنسولگری اسلامبول به عایدات رسوم شانسلری پرداختیم، ولی چنان‌که در ابتدای این راپرت عرض شد، نتوانستیم در خصوص عایدات سابقه حاصله از این ممر، اطلاعاتی صحیح حاصل کنیم.

تمام قنسولگری‌های خارجه و نیز مأمورین عثمانی تعرفه‌های مدقق دارند که با اهمیت کارها متناسب و حکومت دولت آنها را تصویب نموده، اما قنسولگری‌های ایران چه در اسلامبول و چه در سایر جاها، اگر هم تعرفه رسمی به تصدیق وزارت خارجه در دست باشد، مجری نمی‌دارند. هر قنسول‌خانه به ترتیب مخصوص رفتار می‌کند و تعرفه آن بسته به میل قنسول‌هاست، فقط بر حسب مقاومت اتباع که از کیسه خود دفاع می‌کنند، کم یا زیاد می‌شود. به این ترتیب، رعیت [۱۱] ایران در بعضی از بلاد و نواحی از بابت رسوم میراث متجاوز از صدی ده می‌پردازد و بعضی جاها کمتر از صدی شش.

در اسلامبول برای تمام معاملات کمترین مقدار از رسوم شانسلری معموله در شهر اخیر را اختیار نموده و آن را مأخذ تعرفه قرار دادیم. در خیال هستیم که یک تعرفه قطعی ترتیب داده، به امضای وزارت خارجه برسانیم، ولی قبل از اینکه این پیشنهاد را بنماییم، مفید دانستیم که نه فقط چند ماهی عملیات نموده، مدرک و مأخذی برای پیشنهاد خود تحصیل کنیم، بلکه یک نظریاتی در تعرفه‌های قنسول‌خانه‌های خارجه پیدا کرده، بتوانیم پیشنهادی بکنیم که تقریباً با ترتیب‌های معموله در اسلامبول متناسب باشد. اقداماتی که در این خصوص کرده‌ایم خیلی پیش‌رفته و تا چند هفته دیگر می‌توانیم نتیجه آن را به عرض اولیای وزارت امور خارجه برسانیم.

در خصوص تعیین مبالغ رسوم دریافت‌کردنی خیلی ملایمت‌ها در نظر گرفته‌ایم، چه یقین داریم تعرفه‌های حالیه قنسولگری‌های ایران در عثمانی به اندازه‌ای است که تقریباً مانع از ارجاع معاملات است.

به عقیده بنده یک ملایمت و اعتدال عاقلانه در این مورد مفیدتر است و ضمناً این اصلاحات حالیه اسباب اطمینان اتباع شده و تعرفه مزبوره نیز به اقتضای صرفه اتباع را با ما مساعد خواهد کرد و اینها همه موجب کثرت معاملات خواهد شد.

عایدات قنسولگری را برای آتیه می‌توان به سالی ۴۰۰۰ لیره عثمانی تخمین زد، بلکه گمان

می‌کنم اگر زحمات حالیه ما اسباب اطمینان اتباع ایران و تبعه خارجه بشود، بتوان ۴۰۰۰۰ لییره را به شش هزار لییره رساند.

(ادامه دارد)